

Review of *Educational Management: Theory, Research and Practice Book*

Naser Shirbagi*

Abstract

The book “*Educational Management: Theory, Research, and Practice*”, authored by Ali Shirazi, has been an attempt to address the lack of educational management resources. The purpose of this review is to analyze and illustrate the strengths and weaknesses of the book. It is a good work, but it also suffers from shortcomings that can add to the richness of the book’s discussions. The author of the book has appropriately used the terms and the equivalence of foreign words, with few exceptions, which are acceptable in accordance with the approved headings. The content is consistent with Islamic and Iranian values. The book does not deal with the history of the field and theories in educational management; it does not examine the major published works of educational management and thus does not provide a comprehensive picture of educational management in Iran and the world. Also, epistemological advances in educational management and knowledge production have not been made in previous centuries. Unfortunately, unlike the good title of the book, it is unlikely that students will be able to read a comprehensive understanding of the unique features of educational management and a systematic understanding of applied and theoretical knowledge in the field. It is hoped that the next edition will promote the development of new topics in the field of educational management in order to assist in the preparation of the curriculum for school leaders.

Keywords: Educational Management, Content Analysis, School Management Educational leadership

* Associate Professor of Educational Administration, Department of Education, University of Kurdistan

Date received: 2020-07-05, Date of acceptance: 2020-11-21

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقدی بر کتاب

مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد

ناصر شیربگی*

چکیده

کتاب «مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد» که توسط استاد محترم جناب آقای دکتر علی شیرازی تألیف شده، تلاشی برای کمبود منابع درسی مدیریت آموزشی بوده است. هدف مقاله، بررسی تحلیلی و بیان نقاط قوت و ضعف محتوی کتاب است. این اثر محاسنی دارد اما از کاستی‌هایی نیز رنج می‌برد که رفع آن می‌تواند بر غنای مباحث کتاب بیفزاید. نویسنده کتاب در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی واژه‌های خارجی به‌غیر از مواردی چند، دقت لازم را داشته و از لحاظ مطابقت با سرفصل‌های مصوب قابل قبول است. محتوا با ارزش‌های اسلامی و ایرانی سازگار است. کتاب مذکور به تاریخچه رشته و نظریه‌پردازی در مدیریت آموزشی پرداخته؛ و آثار مهم منتشرشده مدیریت آموزشی را بررسی نکرده از این‌رو، تصویر جامعی از مدیریت آموزشی را در ایران و جهان فراهم نمی‌کند. همچنین، پیشرفت‌های معرفت‌شناختی در مدیریت آموزشی و تولید دانش در سده‌های گذشته ارائه نشده است. متأسفانه، بر خلاف عنوان خوب کتاب، به‌احتمال زیاد، دانشجویان با خواندن آن، نمی‌توانند به فهم جامعی از ویژگی‌های منحصر به فرد مدیریت آموزشی و درک نظام‌مندی از دانش کاربردی و نظری این رشته دست یابند. امید است که در ویرایش بعدی پیشبرد مباحث نوین حوزه مدیریت آموزشی مورد توجه قرار گیرد به‌گونه‌ای که به تدوین برنامه درسی آماده‌سازی رهبران مدارس کمک کند.

کلیدواژه‌ها: مدیریت آموزشی، تحلیل محتوایی، مدیریت مدرسه، رهبری آموزشی

* دانشیار مدیریت آموزشی، گروه علوم تربیتی دانشگاه کردستان، nshirbagi@uok.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

به‌طور معمول مجموعه‌ای از کتب درسی برای هر حرفه تخصصی وجود دارد. این کتب، از لحاظ تاریخی دارای اهمیت هستند چراکه انتقال‌دهندگان دانش درباره عملکردهای مطلوبی هستند که به نظر می‌رسد برای نقش و عملکرد افراد حرفه‌ای، اساسی هستند. از برخی لحاظ، کتب درسی، کتب مقدس هر حرفه به شمار می‌روند. متون کتب دانشگاهی به‌کاررفته در برنامه‌های آماده‌سازی علمی داوطلبان، ابزارهای اولیه برای جامعه‌پذیری مبتدیان یک حرفه هستند. کتب درسی، به‌ویژه آن‌هایی که در دوره‌های سطوح مقدماتی بکار می‌روند، اغلب نگاهی اجمالی از حرفه موردنظر را از دید مؤلفان کتاب برای مبتدیان فراهم می‌کنند.

حرفه‌هایی مانند وکالت، مهندسی و پزشکی حجم وسیعی از کتب درسی را فراهم کرده‌اند که به‌صورت مداوم با دانش نوین به‌روز می‌شوند. سایر حرفه‌ها نتوانسته‌اند به شکل تجربی یا علمی، متون درسی را با سرعت توسعه دهند چون دانش و عملکرد به مدت زمان طولانی تری ثابت باقی می‌ماند. یک نمونه عالی از این حرفه‌ها، مدیریت آموزشی است که چند مرحله مشخص از توسعه را در طول قرن بیستم سپری کرده است.

در سطح جهانی، تربیت مدیران مدارس تا اوایل قرن بیستم به‌عنوان یک وظیفه رسمی تشخیص داده شده ظهور نیافت. در نتیجه، وجود مجموعه‌ای از کتب مدیریت آموزشی تا پس از جنگ جهانی اول خیلی محدود بود. در سال‌های دهه ۱۹۲۰ نخستین مجموعه عظیم کتب تخصصی به‌ویژه برای مدیران مدارس به رشته تحریر درآمد. مؤلفان این کتاب‌ها بیشترشان استادان مدیریت آموزشی در دانشگاه‌های پیشرو بودند. آن‌ها اغلب نه تنها استاد دانشگاه بودند بلکه تجربه ریاست آموزش پرورش شهرهای بزرگ را هم در کارنامه خود داشتند. رؤسای آموزش و پرورش مجرب، اغلب نویسنده بودند و در بسیاری موارد، این رؤسا زیر نظر اساتیدی که نخستین نسل از کتاب‌های مدیریت آموزشی را نوشتند فارغ‌التحصیل شده بودند. این وضعیت، موجب می‌شد که متون نوشته شده با زمینه کاری، رویکردها و اهداف حرفه مدیریت مدرسه هماهنگ کاملاً باشد (Glass, 2004).

تحلیل محتوایی انتشارات یک‌رشته علمی همراه با بررسی به‌روز یافته‌های تحقیقاتی عمده مربوط به آن می‌تواند رویکرد نوینی در درک ماهیت آن رشته ارائه دهد. معمولاً عملکرد هر حرفه (مانند مدیریت مدرسه) تحت تأثیر محتوای کتب درسی مربوط به آن قرار می‌گیرد و بالعکس، محتوای کتب درسی مربوط به آن حرفه تحت تأثیر عملکردهای

حرفه‌ای قرار می‌گیرد. مدیریت مدرسه، حرفه‌ای نسبتاً جدید است که در نهاد آموزش و پرورش خدمت می‌کند. از آنجاکه در کشورهای غربی و به‌ویژه انگلیسی‌زبان تاریخچه کتب مدیریت آموزشی به عصر انتشار انبوه برمی‌گردد، تعداد زیادی کتب درسی و دانشگاهی، تکنگاری، مطالعات پژوهشی، مقالات و مجلات حرفه‌ای قابل‌استفاده برای ایجاد و راهنمایی عمل مدیریت مدرسه در دسترس است (Glass, 2004)؛ اما از زمان تأسیس رشته مدیریت آموزشی در اواخر قرن نوزدهم، این رشته همچون بسیاری از رشته‌های کاربردی دیگر دارای ویژگی‌هایی از جمله مرزهای علمی نامشخص، نبود دانش جمعی، تنوع و ازهم‌گسیختگی بوده است. (اپلاتکا، ۲۰۱۰، ترجمه شیربگی، ۱۳۹۷)، از دهه ۱۹۷۰ مدیریت آموزشی از لحاظ نظری دچار تحول بنیادی شده و رویکردهای نظریه‌پردازی و پژوهش در آن تنوع بسیار یافته است (علاقه بند، ۱۳۹۴).

در ایران بسیاری از کتاب‌های تألیف شده، مجموعه موضوعات برگرفته از تجارب مدیران مدارس، پیشینه قوانین و مقررات اداره کردن مدارس و مدیریت برنامه‌های درسی هستند. این دسته از کتب به تحولات بین‌المللی نظریه‌پردازی در مدیریت آموزشی مانند برنامه‌همیاری در مدیریت آموزشی، نهضت نظریه و انقلاب گرینفیلد توجهی نداشته‌اند. در ویرایش‌های جدید این کتب در سال‌های اخیر، مؤلفان فصل‌هایی را به موضوعات رهبری، سازمان و نظریه‌های انگیزش اختصاص داده‌اند که بیشتر متون ترجمه‌شده هستند و ماهیت تحلیلی ندارند. می‌توان گفت بیشتر آن‌ها هنوز متون خالص نظریه و تحقیق در مدیریت و رهبری آموزشی نیستند.

هدف اصلی این مقاله نقد و بررسی شکلی - محتوایی کتاب «مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد» است که توسط دانشیار محترم گروه مدیریت دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد جناب آقای دکتر علی شیرازی تألیف شده است. این کتاب توسط انتشارات مهربان نشر به بازار عرضه شده است. نویسنده کتاب در صفحه شخصی خود بیان نموده که حدود ۱۶ عنوان کتاب را تألیف کرده‌اند. اگرچه ایشان در گروه مدیریت دانشگاه فردوسی مشغول تدریس و تحقیق هستند اما دارای چندین عنوان کتاب در حوزه آموزش و پرورش هستند. ایشان در خصوص کتاب موردنظر مقاله حاضر نوشته‌اند که:

چاپ اول این کتاب به حدود بیست سال پیش برمی‌گردد، زمانی که کتاب‌های اندکی در این حوزه علمی در بازار نشر موجود بود؛ معضلی که کماکان با آن مواجه هستیم.

از این رو مؤلف بر آن شد، این کتاب را به روزسازی و ویرایش اساسی کند. مهم‌ترین تغییراتی که در ویرایش جدید قابل توجه است اضافه نمودن فصل‌های جدید یا ادغام فصل‌ها جهت یکپارچه‌سازی و ساختاربندی مطالب، تکمیل متن فصل‌ها با استفاده از تئوری‌ها و یافته‌های جدید تحقیقاتی و طرح مباحثی برای کاربردی نمودن مطالب در سازمان‌های آموزشی، به‌ویژه مدارس، و استفاده از منابع جدید جهت غنی‌سازی موضوعات کلیدی در کتاب است. کتاب حاضر کماکان شامل ۴ بخش و ۱۹ فصل است که شامل سرفصل‌های اصلی در مقاطع مختلف کارشناسی و تحصیلات تکمیلی درس مدیریت آموزشی در مراکز تربیت‌معلم و دانشگاه‌ها می‌شود. در واقع، دانشجویان، مدیران، مربیان، معلمان، مسئولین و کارگزاران سازمان‌های آموزشی می‌توانند از کتاب حاضر همانند یک کتاب راهنمای جامع برای دروس یا فعالیت‌های شغلی خود استفاده نمایند (شیرازی، ۱۳۹۷).

۲. روش تحقیق

راهبرد استفاده‌شده در بررسی کتاب «مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد»، روش تحلیل محتوای کیفی کت چام (Ketcham, 1982) بود. این راهبرد شامل تحلیل پنج مقوله زمانی، تأکیدی، حذفی، رفتار جانشینی و معنایی است. دلیل به‌کارگیری چنین روشی آن است که متون منتشرشده، به‌عنوان سندی در نظر گرفته می‌شود که می‌توان آن را مورد تحلیل متنی قرارداد. یک سند می‌تواند به‌عنوان «هرگونه بازنمایی نمادین که بتوان به‌منظور انجام تجزیه و تحلیل، آن را ضبط یا بازیابی نمود» تعریف شود (Altheide, 1996, p. 2). روش تحلیل بیان‌شده ترکیبی از تحلیل محتوای کمی و کیفی را در بردارد و داده‌های روایی و عددی هر دو گردآوری می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، در این روش تأکید بر جمع‌آوری هم‌زمان داده‌های منحصر به فرد و طبقه‌ای برای هر متن تحلیل شده است.

۳. یافته‌ها

الف- بررسی ابعاد ظاهری کتاب

کتاب «مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد» در سال ۱۳۹۲ در ویرایش دوم و در قطع وزیری چاپ شده و دارای ۴۷۰ صفحه است. تصویر روی جلد، تناسب زیادی با محتوای کتاب ندارد. کتاب از لحاظ صحافی، اندازه و نوع قلم متن، فواصل خطوط و

حاشیه‌بندی هم مناسب و رضایت‌بخش است. متن کتاب از لحاظ علائم سجاوندی و رعایت قواعد نگارشی در سطح مطلوبی قرار دارد. همچنین، اصول علمی ارجاع دهی به شیوه (APA) کاملاً رعایت شده است. در استفاده از ابزارهای علمی مانند نمودار و جداول در وضعیت قابل قبول، اما از لحاظ ارائه تمرین، مطالعات موردی و پرسش‌های پایانی ضعیف است. در مجموع، کتاب از ۳۲۹ منبع انگلیسی و ۴۴ منبع فارسی بهره برده است. مشکل اصلی این منابع قدیمی بودن و به بروز نبودن آن‌هاست، به طوری که درصد اندکی از منابع مربوط به دهه ۲۰۰۰ و دهه ۱۳۹۰ شمسی هستند.

ب- معرفی کلی کتاب و تحلیل محتوایی:

کتاب مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد در پنج بخش اصلی و ۱۹ فصل تنظیم شده است. تحلیل و نقد هر فصل جداگانه در ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

- بخش اول: آموزش و پرورش و مدیریت آموزشی

فصل اول در ۳۰ صفحه به موضوع آموزش و پرورش و توسعه اختصاص پیدا کرده است که در آن به مطالبی درباره تاریخ آموزش و پرورش در ایران در قبل از اسلام و بعد از اسلام، مشکلات نظام آموزشی و راه‌های رفع معضلات آن، تغییر نظام آموزشی و در انتهای فصل، سه صفحه به بحث مدیریت آموزشی پرداخته شده است. در این فصل، جدولی ارائه شده که در آن به آمارهای جمعیت دانش‌آموزان و معلمان و همچنین برخی شاخص‌های جهانی اشاره شده است. این مقایسه‌ها در کل برای فهم بهتر وضعیت آموزش و پرورش توسط دانشجویان علوم تربیتی مفید است چراکه رتبه ایران نیز در آن ذکر گردیده است؛ اما آمارها مربوط به حدود ۱۰ سال قبل هستند و برای استفاده در حال حاضر قدیمی به نظر می‌رسند. در ادامه فصل، به موضوع مدارس غیرانتفاعی، تمرکززدایی و مدیریت آموزشی به‌عنوان راهکارهای تغییر نظام آموزش و پرورش پرداخته شده است؛ اما نویسنده به‌صورت عملی مشخص نکرده است که چگونه در نظام متمرکز آموزشی ایران و باوجود مشکلات ساختاری و فرهنگی موجود بیان شده می‌توان با استفاده از این راهکارها به تغییر نظام آموزشی دست زد.

فصل دوم در ۲۳ صفحه تحت عنوان سیر تاریخی علم مدیریت، به پیشینه نظریات مدیریتی در سه دوره کلاسیک، کلاسیک نو و مدرن به پرداخته است. نویسنده کتاب همانند بیشتر کتب تألیف شده مدیریت آموزشی موجود در ایران، مباحث مدیریت آموزشی را با نظریات اولیه تیلور، فایول و وبر آغاز نموده است. از این نظر، تفاوت خاصی با کتاب‌های

دیگر مدیریتی ندارد. تا حد زیادی، این سبک و سیاق درست است چراکه انوار هدایت‌کننده برای مدیریت آموزشی اولیه، نظریه مدیریت علمی تیلور بود که بر کارایی و سود تمرکز داشت. مدیریت علمی که بر نقش‌های تخصصی، جهت‌گیری زمان و سازمان‌های سلسله‌مراتبی تأکید دارد هنوز هم در ساختار و مدیریت مدارس دولتی حضور دارد. پس‌از این جریان، نویسندگان به‌خوبی به سایر تحولات موجود در حوزه مدیریت عمومی پرداخته است. مؤلف محترم، به این مطلب دقت کافی داشته است که نظریه روابط انسانی که در سال‌های دهه ۱۹۳۰ توسط فالوت و گبولیک (Follett & Gulick) توسعه یافت برخلاف جریان مدیریت علمی عمل کرد. برخی از مؤلفان متون مدیریت آموزشی، این رویکرد جدید و انسان‌گرای اداره مدارس را اقتباس کردند. بسیاری از این نویسندگان، پیرو نهضت آموزش پیشرفت‌گرای دیویی بودند. چنین برداشت می‌شود که عملکردهای حمایت‌شده توسط نهضت روابط انسانی و مکاتب آموزش پیشرفت‌گرا در متون مدیریت آموزشی گذشته و حال تجلی پیدا کرده‌اند (Glass, 2004).

علی‌رغم توضیح مفصل و مستدل مؤلف از تاریخچه مدیریت عمومی تا پایان دوره علوم رفتاری و اشاره به نظریه نظام‌های اجتماعی، متأسفانه همانند بیشتر کتاب‌های موجود در ایران، این کتاب نیز به تحولات مهم رشته مدیریت آموزشی بعد از این تاریخ اشاره نکرده است. دانشجویانی که در فصول بعدی با مفاهیم نوینی مانند مدیر مدرسه در نقش رهبر و اثربخشی مدرسه برخورد می‌کنند دچار نوعی ابهام و سردرگمی در ماهیت و هویت حوزه مدیریت آموزشی می‌شوند. در این گسست تاریخی و انقطاع مفهومی، خواننده در نمی‌یابد که نهایتاً تولد و پیدایش حوزه مدیریت آموزشی دقیقاً از چه دهه‌ای شروع می‌شود. به‌عنوان مثال، به حوادثی همچون نهضت نظریه در مدیریت آموزشی اشاره نشده است. نهضتی که در اواخر سال‌های ۱۹۶۰ شروع شد که هدف آن تدوین یک نظریه منحصر به فرد مدیریت آموزشی و کشف شیوه بهتر برای اشاعه این نظریه‌ها در کتب مقدماتی مدیریت آموزشی بود. هدف دیگر نهضت نظریه در مدیریت آموزشی، ایجاد مشروعیت حرفه‌ای بود. شایان‌ذکر است از سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ کتب درسی، خیلی تخصصی شدند همچنان که حرفه مدیریت مدرسه و مؤلفان آن‌ها نیز تخصصی‌تر شدند. تعداد اندکی از اساتید مدیران آموزشی خودشان را به‌عنوان عمومی کار، در نظر می‌گرفتند. امروزه، اساتید مدیریت آموزشی معمولاً خودشان را به‌عنوان وابسته به یک حوزه خاص می‌دانند.

فصل سوم با اختصاص ۱۳ صفحه، به بحث تئوری و نظریه‌پردازی در مدیریت آموزشی از جمله ماهیت و تعریف تئوری، اهمیت و فواید آن در سازمان‌های آموزشی، اجرای تئوری، درک تئوری در عمل، ارتباط تئوری و تحقیق و چالش‌های تحقیق و کاربرد آن اختصاص یافته است. ساختار و اهداف این فصل می‌توانست با طرح سؤالات بهتری سازمان‌دهی شود: مانند اینکه، ماهیت و موضوعات اصلی موجود در مدیریت آموزشی کدامند؟ بنیان دانش مدیریت آموزشی چیست؟ آثار منتشر شده و ابزارهای روش‌شناختی استفاده شده توسط پژوهشگران و صاحب‌نظران مدیریت آموزشی کدامند؟ اگرچه، ظاهراً به‌زعم نویسنده محترم، هدف نهایی تحلیلی این فصل، خود مدیریت آموزشی است؛ اما نه پیشنهادهایی مبنی بر اینکه حوزه مدیریت آموزشی باید چگونه باشد و نه شواهدی مبنی بر اینکه حوزه مدیریت آموزشی تاکنون به چه تبدیل شده است ارائه نشده است. هرچند عنوان کتاب انتظار نشان دادن ارزش آن از لحاظ نظریه، پژوهش و عمل را در خواننده به وجود می‌آورد اما در سطح نظری، نویسنده محترم نتوانسته است به‌صورت نظام‌مند، توسعه معرفت‌شناختی حوزه مدیریت آموزشی را از اوایل دهه قرن بیستم به‌عنوان رشته‌ای از هم‌گسیخته با پارادایم‌ها و نظرات متفاوت را ترسیم کند. اگر چنین کاری صورت می‌گرفت همان‌گونه که (Humes & Bryce, 2001) در زمینه علوم تربیتی گفته‌اند، می‌تواند حوزه مدیریت آموزشی را ذاتاً تجمعی‌تر کند و از تکرار تحقیقات در یک زمینه پیشگیری نماید (ص ۳۴۲).

- بخش دوم: انسان در سازمان‌های آموزشی

فصل چهارم با عنوان بوروکراسی در نهاد آموزش و پرورش تنظیم شده است؛ که موضوعاتی همچون تعریف، ماهیت ساختار، عناصر ساختار سازمانی، چارچوب مدل بوروکراسی، بوروکراسی ویر، پیامدها و کارکرد مدل بوروکراسی، بوروکراسی آموزشی، نظام‌های متمرکز و غیرمتمرکز، تفویض اختیار و بوروکراسی‌های آینده. این کتاب هم همانند بیشتر کتاب‌های موجود در زمینه مدیریت عمومی نظریه بوروکراسی را صرفاً از دیدگاه ماکس وبر مورد بررسی قرار داده است، درحالی‌که این نظریه سابقه طولانی‌تری دارد و ریشه آن به نظریات هگل و مارکس نیز برمی‌گردد.

فصل پنجم در ۱۶ صفحه سعی در توضیح تئوری نظام‌های اجتماعی در قالب سه دیدگاه گنزلز و گوبا، بلو و اسکات و هومنز دارد. در انتهای فصل نیز، کاربرد تئوری نظام‌های اجتماعی در مدیریت مدارس تشریح شده است. ایراد عمده‌ای که در این فصل

دیده می‌شود استفاده از منابع قدیمی است. از محاسن این فصل، ارتباط مستقیم مطالب آن با مدیریت مدارس است.

فصل ششم دو مفهوم گروه و تیم را در ۲۹ صفحه تشریح کرده است؛ که با تعاریف این مفاهیم شروع شده و به مطالبی همچون اهمیت گروه، گروه‌های رسمی و غیررسمی، دلایل عضویت در گروه، مراحل توسعه گروه، پویایی گروه، سؤ کارکردهای گروه، انواع تیم، تیم سازی، کار گروهی در مدارس، تعارض در سازمان‌ها و مدیریت تعارض پرداخته است. از ایرادات محتوایی این فصل آن است که بحث تعارض در حوزه رفتار سازمانی و مدیریت مدارس بسیار دارای اهمیت است و نویسنده محترم می‌توانست آن را در قالب یک فصل مجزا ارائه نماید علاوه بر این، بیشتر مثال‌ها و نمونه‌های ذکرشده مربوط به مدارس و سازمان‌های آموزشی نیست.

فصل هفتم، انگیزش عنوان فصل است که حدود ۳۳ صفحه را دربرمی‌گیرد. تعاریف، رویکردها، تئوری‌های محتوایی، فرایندی و ترکیبی موضوعات اصلی مطرح شده در این فصل هستند. در صفحات انتهایی فصل، مبحثی در مورد انگیزش در مدرسه ارائه شده است. منابع این فصل هم همانند بیشتر فصل‌های کتاب از قدیمی بودن رنج می‌برند. به نظر می‌رسد در ویرایش جدید کتاب نویسنده محترم تمایل چندانی در به‌روز کردن منابع از خود نشان نداده‌اند.

فصل هشتم، مؤلف با اختصاص ۱۹ صفحه به توصیف دو مفهوم مهم جو سازمانی و فرهنگ پرداخته است. نویسنده با ارائه عناوینی از جمله ماهیت و تعاریف جو، اهمیت جو سازمانی در مدارس و ارتباط آن با تئوری سیستم اجتماعی و تحقیقات مربوط به هالپین و کرافت (Halpin & Craft) بحث را به اتمام رسانده است. تعریف فرهنگ و تفاوت آن با جو، سطوح فرهنگ سازمانی، کارکرد و گونه‌های فرهنگ، ارتباط فرهنگ با رهبری، فرهنگ ملی نیز برای مفهوم فرهنگ سازمانی مطرح شده است. در دو صفحه آخر فصل، موضوع بهبود جو و فرهنگ سازمانی مطرح شده است. دو مفهوم بیان شده، از متغیرهای مهم در حوزه مدیریت آموزشی هستند که نویسنده محترم به بررسی آن‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف پرداخته است. ایرادی که به این فصل وارد است آن است که به پیشرفت‌های اخیر و نظریات جدید مربوط به سنجش این متغیرها اشاره نشده است. به‌عنوان مثال، اینکه اخیراً تمایل به ارزیابی جو سازمانی از دیدگاه دانش‌آموزان به‌جای معلمان (Owens & Valesky,

(2015) رو به فزونی نهاده مطرح نشده است. همچنین به استفاده از روش های کیفی در ارزیابی فرهنگ سازمانی توجه نشده است.

- بخش سوم: فرایندهای مدیریت آموزشی

فصل نهم در ۲۰ صفحه به موضوع تصمیم گیری پرداخته و شامل مباحث تعریف و اهمیت تصمیم گیری، انواع و فرایند تصمیم گیری، عوامل مهم در تصمیم گیری، تصمیم گیری در مدیریت آموزشی و نهایتاً تصمیم گیری گروهی است. این فصل به صورت شفاف تر بیگانگی خود را مباحث آموزشی درون مدرسه نشان داده است. محتوی فصل به مدیر مدرسه و یا یک دانشجوی رشته علوم تربیتی کمک نمی کند که خود را در فضای آموزشی مدرسه مجسم نماید و ارتباط مفاهیم انتزاعی مطرح شده با مسائل روزمره مدارس ترسیم نشده است. ضمناً در چگونگی اخذ تصمیمات مدیر در مسائلی همچون ارتباط با انجمن اولیا و مربیان و شورای معلمان به خواننده کمکی نمی کند.

فصل دهم با محتوای ۱۸ صفحه ای به یکی دیگر از کارکردهای مدیریت یعنی برنامه ریزی اختصاص یافته و موضوعاتی همچون تعریف، فرایند و اهمیت برنامه ریزی، انواع برنامه، فنون تخصصی در برنامه ریزی، برنامه ریزی اثربخش، رویکردهای برنامه ریزی آموزشی، برنامه ریزی درسی، برنامه ریزی تدریس و در نهایت چالش های برنامه ریزی در نظام آموزش ایران را دربرمی گیرد. کاستی محتوایی این فصل آن است که به تحولات نوین در گرایش های برنامه ریزی حوزه علوم تربیتی؛ مثلاً حذف گرایش برنامه ریزی آموزشی در دوره کارشناسی ارشد و توجه فراوان به گرایش مطالعات برنامه درسی در ایران و جهان پرداخته نشده است.

فصل یازدهم در ۲۷ صفحه به مفهوم مهم رهبری پرداخته و همانند فصول قبلی، نخست به تعریف و ماهیت رهبری پرداخته و سپس موضوعات تفاوت رهبری با مدیریت، رویکردهای مطالعه رهبری موقعیتی، رفتاری، اقتضایی (نظریه اثربخشی رهبری فیدلر، نظریه مسیر هدف هاوس، مدل موقعیتی هرسی و بلانچارد)، پیرو و انواع پیرو و تئوری تبادل پیرو و رهبر، سبک های رهبری بحث شده است. از انتقادات مهمی که به این فصل مهم وارد است آن است که به نظریه های نوین رهبری مانند رهبری خدمتگزار، رهبری توزیعی و رهبری پرجاذبه (Yukl, 2013) و مفهوم معلم-رهبر اشاره نشده است.

فصل دوازدهم، عنوان این فصل قدرت، نفوذ و سیاست نام گذاری شده است. فصل با تعریف قدرت آغاز شده و سپس منابع و عوامل قدرت تشریح شده و مفهوم نفوذ، انواع و

کارکرد آن در سازمان‌ها بررسی شده است. در بخش پایانی این فصل ۲۵ صفحه‌ای به رفتار سیاسی، اهمیت سیاست در سازمان و اخلاق سیاسی پرداخته شده است. در این فصل، نویسنده محترم می‌توانست با گریزی به نظریه ارائه شده (Bush, 2004) و دسته‌بندی نوین وی از مدیریت و رهبری، مفاهیمی مانند مدل‌های سیاسی، فرهنگی و ابهامی را معرفی نماید و تأثیر سیاست، نفوذ و قدرت را در الگوهای رهبری و مدیریت نشان دهد؛ اما متأسفانه قدیمی بودن منابع و استفاده صرف از نظریات مدیریت عمومی قدیمی، اثربخشی این فصل را برای دانشجویان علوم تربیتی کم‌رنگ نموده است.

فصل سیزدهم، ارتباطات عنوان این فصل است و در ۲۱ صفحه، نخست، مفهوم ارتباط تعریف شده و انواع و اهمیت آن در سازمان‌ها مورد بحث قرار گرفته است. سپس، فرایند ارتباط بررسی شده و ارتباطات نوین، موانع ارتباطی و راهکارهای بهبود ارتباطات در سازمان‌ها و مدارس توضیح داده شده است. مفاهیم مربوط به ارتباطات معمولاً در کتاب‌های مدیریت عمومی ارائه می‌گردد و انتظار از ارائه آن در کتاب مدیریت آموزشی آن است که با مطالعات موردی و نمونه‌هایی متعدد از موقعیت‌های آموزشی و مدارس به‌ویژه، موضوع ارتباط بین مدیر مدرسه با معلمان، دانش‌آموزان و والدین آن‌ها همراه باشد.

فصل چهاردهم، موضوع ارزشیابی که عنوان این فصل کوتاه ۱۶ صفحه‌ای است ابتدا تعریف شده و انواع ارزش‌یابی و ارزش‌یابی در مدرسه را که شامل ارزشیابی‌های عملکرد دانش‌آموزان و کارکنان می‌شود بررسی شده است. در انتهای فصل، به جنبه‌های مختلف ارزشیابی مانند الگوها، اصول و ویژگی‌های ارزش‌یابی اثربخش اشاره شده است. از لحاظ محتوایی و بحث سرفصل‌های مصوب، فصل ۱۴ که به موضوع ارزش‌یابی پرداخته و فصل ۱۵ که در زیر توضیح داده می‌شود و به بحث راهنمایی آموزشی اختصاص یافته است می‌توانست در حوزه کتب نظارت و راهنمایی آموزشی یا تعلیماتی قرار گیرد تا هم‌حجم کتاب کاهش یابد و هم میزان تکرار مطالب و همپوشانی مطالب آن در دروس مختلف به حداقل برسد.

فصل پانزدهم، این فصل با ۱۶ صفحه تحت عنوان راهنمایی نام‌گذاری شده و نخست، در آن رهبری تدریس تعریف شده، نقش مدیر مدرسه و عوامل تأثیرگذار بر یادگیری مورد بررسی قرار گرفته و سپس کمک به معلم برای بهبود یادگیری تشریح شده و نهایتاً به موضوع راهنمایی تدریس در مدارس پرداخته شده است. در ادامه نقش و مهارت‌های راهنمای آموزشی مؤثر مورد بحث قرار می‌گیرد. علی‌رغم جالب و مفید بودن مطالب این

فصل، همچنان که گفته شد به دلیل حجم زیاد کتاب بهتر بود نویسنده محترم این فصل و فصل ۱۴ را در یک کتاب مجزا تحت عنوان نظارت و راهنمایی تعلیماتی می‌گنجاند تا به صورت تخصصی‌تر بر روی آن تمرکز شود. چراکه به احتمال قریب به یقین، به دلیل کمبود ساعات درسی اساتید این فصول را جزو حذفیات و یا فصولی که کمتر روی آن تمرکز شود در نظر می‌گیرند.

- بخش چهارم: مدیریت آموزشی و بهسازی مدارس

فصل شانزدهم، این فصل با ۱۹ صفحه متن با عنوان تغییر در سازمان‌های آموزشی و با مقدمه‌ای درباره ماهیت و اهمیت تغییر و تعریف آن آغاز می‌شود و نظریه‌های مربوط به تغییر بررسی شده و موانع فردی و سازمانی پیش روی تغییر را شناسایی کرده و در پایان تغییر و اصلاح در سازمان‌های آموزشی توضیح داده شده است. علی‌رغم استفاده از عبارت سازمان‌های آموزشی در عنوان کتاب اما محتوای این فصل چندان کمکی به ایجاد تغییر در مدارس نمی‌کند. به عنوان مثال، نویسنده محترم می‌توانست نقش رهبر مدرسه، معلم، اولیا، دانش‌آموزان و به‌طور کلی اعضای جامعه مدرسه را در ایجاد تغییر بیشتر روشن کند. در این فصل به مباحث مهمی مانند استقلال حرفه‌ای معلم و موضوعات اولویت‌دار برای تغییر در محیط مدرسه و در چارچوب نظام متمرکز آموزشی ایران اشاره نشده است. برای یک مدیر مدرسه و اعضای جامعه مدرسه مشخص نیست که چگونه تغییرات راهبردی را شروع نمایند. استفاده صرف از اصطلاحات ثقیلی مانند مقاومت سازمانی، تسهیل و پذیرش تغییر بدون استفاده از مثال‌های ملموس، تمرین‌ها و پرسش‌های پایانی فصل برای تعمیق فهم و کاربرد مطالب، از کاستی‌های این فصل است.

فصل هفدهم به نام مدرسه اثربخش در ۱۷ صفحه تنظیم شده و با تعریف و توصیف اثربخشی سازمانی و مدیریت آغاز می‌شود. رویکردهای اثربخشی سازمانی، وظایف مهم مدیران در توسعه اثربخشی توضیح داده شده و در پایان ویژگی‌های سازمان‌های آموزشی و مدیران مدارس اثربخش مطرح شده‌اند. انتقاد مهمی که می‌توان به محتوای این فصل وارد دانست استفاده از اصطلاحاتی است که با ذهن دانشجوی علوم تربیتی و مدیران مدارس بیگانه است. به عنوان نمونه، در شکل ۳ صفحه ۳۹۷ از واژه‌های سازمان و مشتری استفاده شده است. هرچند کاربرد واژگانی مشابه با این در سایر فصل‌ها نیز دیده می‌شود اما استفاده از واژه مدرسه به جای سازمان و یا کاربرد کلمات مانند ذی‌نفعان و اعضای جامعه مدرسه به جای مشتری بسیار به اهداف خدمت‌رسانی و انسان‌گرایانه آموزش و پرورش نزدیک‌تر

است. از نکات مثبت این فصل، توجه به بحث اثربخشی در همه سطوح مدرسه یعنی دانش‌آموز، معلم، کلاس و مدرسه است.

- بخش پنجم: مدیریت مدرسه

فصل هجدهم با حجم ۲۵ صفحه و تحت عنوان مدیر مدرسه در نقش رهبر نام‌گذاری شده است که با توصیفی از ماهیت، عملکرد و ویژگی‌های شغل مدیر مدرسه، مسئولیت‌های مدیر را تحت عنوان فرایند مدیریت توضیح داده است. در بخش انتهایی فصل، مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی مدیران مدارس بررسی شده است. علی‌رغم درک اهمیت رهبری توسط نویسندگان، اما متأسفانه فضای کلی فصل به بحث مدیریت به جای رهبری اختصاص یافته است. به عنوان مثال، اینکه چگونه یک مدیر مدرسه می‌تواند خود را به نقش رهبری ارتقا دهد مشخص نیست. مطالب مهمی مانند شیوه‌های نفوذ و رابطه رهبر مدرسه با اعضای جامعه مدرسه به عنوان پیروان، تغییر مسئولیت‌های اجرایی مدیر مدرسه به موضوعات راهبردی توسط رهبر مدرسه، توزیع رهبری و نفوذ در بین معلمان، کارکنان و دانش‌آموزان مورد غفلت قرار گرفته است.

فصل نوزدهم که فصل پایانی است با ۲۳ صفحه و تحت نام مدیر مدرسه در نقش عامل اجرایی ارائه شده است. فصل با مروری بر نقش‌های شش‌گانه مدیر مدرسه آغاز شده و انتظاراتی که گروه‌های مختلف از مدیر مدرسه دارند ارائه شده است. سپس شاخص‌های انتخاب و گزینش مدیر مدرسه شناسایی شده و رابطه مدیران مدارس با ادارات آموزش و پرورش تشریح شده است. اگر عنوان این فصل با فصل قبلی جابجا می‌شد مناسب‌تر بود چراکه علی‌رغم نام‌گذاری این فصل به مدیر مدرسه در نقش عامل اجرایی اما محتوای آن قرابت بیشتری با وظایف رهبری دارد. چراکه به موضوعاتی اشاره شده که مدیر با انجام آن‌ها می‌تواند در نقش رهبر مدرسه ظاهر شود. نویسندگان محترم بهتر بود مطالبی مانند توجه مدیر به انتظارات والدین و دانش‌آموزان، رهبری تدریس، عامل تغییر و انتظارات مشترک گروه‌ها که در حیطه کار رهبر قرار می‌گیرند و نه عامل اجرایی، در فصل قبلی بگنجانند.

۴. محاسن عمده کتاب

با جستجویی ساده می‌توان دریافت که در دهه‌های گذشته در ایران کتاب‌های متعددی درباره مدیریت آموزشی گردآوری شده‌اند. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین حسن کتاب

«مدیریت آموزشی تئوری، تحقیق و کاربرد» کوشش نویسنده محترم آن در راستای رفع کمبود منابع درسی تألیفی در حوزه مدیریت آموزشی است. این کتاب احتمالاً در چاپ اول آن با استقبال بیشتری همراه بوده است چون در دهه هفتاد شمسی تعداد کتب درسی و دانشگاهی در رشته مدیریت آموزشی اندک بوده است؛ اما چاپ جدید و نسخه فعلی آن با حدود ۵۰ درصد افزایش محتوا، پتانسیل استفاده در دوره‌های تحصیلات تکمیلی را دارد. محتوی کتاب با ارزش‌های اسلامی و ایرانی سازگار است. نویسنده محترم کتاب در خصوص کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی برای واژه‌های خارجی و تخصصی به‌غیر از مواردی چند، دقت لازم را به عمل آورده است. همچنین از لحاظ مطابقت با سرفصل‌های مصوب رشته (هرچند سرفصل‌ها نیز خود قدیمی هستند و نیاز به بازنگری دارند) در سطح قابل قبولی قرار دارد.

۵. کاستی‌های عمده کتاب:

علی‌رغم محاسن ذکر شده، به نظر نویسنده این مقاله، متأسفانه کتاب مذکور از کاستی‌های ذیل برخوردار است.

الف- عمده‌ترین مشکل کتاب استفاده از واژه «کاربرد» در عنوان اصلی و روی جلد کتاب است که علی‌رغم ذکر آن، در تمام فصول هیچ اثری از پیشنهاد‌های کاربردی دیده نمی‌شود.

ب- در بحث مسئله مندی و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی، نویسنده محترم کتاب «مدیریت آموزشی تئوری، تحقیق و کاربرد» پاسخی به سؤالات مهم ذیل که خواننده و دانشجوی رشته مدیریت آموزشی با خواندن این کتاب حجتاً احتمالاً با آن روبرو می‌شود نداده است: نخست اینکه آیا تاریخ رشته مدیریت آموزشی می‌تواند از طریق آثار مکتوب منتشر شده مربوط به آن ردیابی شود؟ دوم، چه آثار منتشر شده‌ای بیشترین تأثیر را در ایجاد هنجارهای عملکرد مدیران مدارس و اساتید دانشگاهی این رشته داشته است و نهایتاً اینکه، آیا مجموعه‌ای از آثار منتشر شده هماهنگ و کافی برای راهنمایی حرفه مدیریت آموزشی و مدیریت مدرسه وجود دارد؟

ج- در خصوص استحکام تحلیل‌ها و تبیین‌های ارائه شده، مؤلف محترم در ارتباط با نظریه‌ها و تحقیقات انجام شده در حوزه مدیریت آموزشی دو مسئله عمده را در نظر نگرفته است: نخست، پیشینه محققان (مانند الگوهای تألیف، زادگاه محقق و وابستگی سازمانی) و

خود آثار مورد استفاده (مانند نوع اثر-کتاب یا مقاله، روش بکار گرفته شده و موضوعات مطرح شده در آن). نویسنده محترم می‌توانست آثار مورد استفاده را بر اساس چند متغیر مانند تعداد نویسندگان، موضوع، هدف، نوع اثر (تجربی، تفسیری، مفهومی و غیره)، عناوین و روش‌ها (در صورت وجود) معرفی و دسته‌بندی نماید.

د- در کتاب حاضر، توسعه علمی حوزه مدیریت آموزشی و تمرکز بر رهبری، مدیریت انسانی، ساختار مدرسه و مسائلی از این دست هم از لحاظ نظری و هم عملی نادیده گرفته شده است. ماهیت از هم گسیخته رشته مدیریت آموزشی بر شدت این کاستی افزوده و اثرگذاری آن را بر سیاست‌گذاران و مدیران مدارس دشوار می‌سازد و حتی ممکن است منجر به بروز مشکلات ارتباطی و نبود فهم مشترک میان اساتید دانشگاه و مجریان آموزش و پرورش نیز گردد.

ه- از کاستی‌های دیگر آن است که کتاب حاضر به احتمال زیاد نمی‌تواند اساتید و دانش‌آموختگان مدیریت آموزشی را که مایل به تحلیل فرا معرفت‌شناختی در زمینه توسعه تاریخی رشته، وضعیت کنونی و چشم‌انداز آینده حوزه مطالعاتی‌شان هستند در یک هم‌اندیشی درگیر سازد. چراکه تاریخ هر رشته دارای کارکردهای مختلفی از جمله آموزش افراد جدیدالورود، مشروعیت بخشی برای افراد غیر عضو و کنترل، ارتقا یا مهار تغییرات است (Klein, 1993).

و- از دید یک کتاب درسی و نه دانشگاهی، کتاب مذکور از نظر میزان تکرار و تشابه محتوی آن با برخی آثار دیگر مؤلفان، مبهم بودن بخش‌هایی از مطالب، استفاده زیاد از مطالب ترجمه شده، عدم توجه به واقعیات مدیریت مدارس در ایران دارای کاستی‌هایی است. از نگاه تحلیلی (Crawford, 2003) این کتاب دانشجویان و اساتید مدیریت آموزشی را به انجام فعالیت‌های دانش‌محور، بیش‌محور و مهارت محور ترغیب نمی‌کند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

در مورد کتاب حاضر می‌توان گفت، علی‌رغم عنوان آن، دانشجویان با خواندن فصول آن، به احتمال زیاد، نمی‌توانند به فهم جامعی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد مدیریت آموزشی و درک مشترک و نظام‌مندی از دانش کاربردی و نظری این رشته دست یابند. اگرچه به منظور آشنایی خوانندگان با مبنای نظری و مفهومی مدیریت آموزشی، در مقدمه و فصل اول مروری بر مدیریت عمومی به عنوان یک رشته مطالعاتی ارائه شده است؛ اما در سایر فصل‌ها

تلاشی برای معرفی آثار علمی تازه منتشر شده طی دهه اخیر جهت آشناسازی خوانندگان با موضوعات مختلف، جهت گیری های تجربی و اهداف و مرزهای علمی رشته، مطرح نشده است.

علی رغم تلاش های ارزشمند نویسنده محترم، توسعه معرفت شناختی، اهداف و مرزهای پویای رشته مدیریت آموزشی در تحقیق و عمل در کتاب دنبال نشده است. به عبارت ساده تر، پیوند میان اعضای رشته مدیریت آموزشی و آنچه این حوزه را از سایر حوزه های مدیریتی مجزا می کند ترسیم نشده است. علاوه بر این، از آنجایی که کتب منتشر شده در حوزه مدیریت آموزشی تاکنون دارای رویکردی پراکنده بوده اند، این پرسش برای خواننده کتاب هنوز مطرح است که آیا انتشارات بعدی رشته مدیریت آموزشی روایتی مستمر را ارائه می کنند یا نشان دهنده انسجام درونی بیشتری نسبت به قبل هستند؟

با وجود اینکه حوزه مدیریت آموزشی در طول قرن بیستم یک زمینه معرفتی را در مورد آنچه یک رهبر مدرسه باید بداند و انجام دهد، ارائه نموده است؛ کتاب حاضر، به بحث تربیت و آماده سازی مدیران و رهبران مدارس توجه ویژه ای معطوف نداشته است. امروزه، مبانی برنامه آماده سازی مدیران مدارس بر دانش علمی، حرفه ای و دانشگاهی استوار شده است. مدیریت آموزشی باید بر درکی درست از چگونگی بهبود نتایج یادگیری برای تمام دانش آموزان استوار باشد.

کتاب «مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد» نقش فناوری های رایانه ای، تغییرات چشمگیر فناوری و تأثیر آن ها در فرایندهای یاددهی - یادگیری که هسته فنی مدارس قلمداد می شود و به تبع آن، تغییر نقش مدیر مدرسه به رهبر و تسهیل گر فناوری در مدرسه را مورد غفلت قرار داده است.

پیشنهاد می شود نویسنده محترم کتاب در ویرایش های آتی کتاب، موارد ذیل را مدنظر قرار دهد چراکه احتمالاً می تواند در افزایش اثرگذاری کتاب نقش قابل توجهی داشته باشد: نخست اینکه، رهبری آموزشی نیازمند مراوده با معلمان، والدین، دانش آموزان، اجتماعات محلی و استادان دانشگاهی است. رهبر آموزشی، نه تنها باید در خصوص یادگیری آگاهی داشته باشد بلکه باید بر این نکته واقف باشد که شغل معلمی یک حرفه سرشار از مهارت است. از این رو، رهبر آموزشی باید تعامل پیچیده بین معلم و دانش آموز را درک کند و این آگاهی را مرتباً ارتقا دهد. رهبری، علم و هنر است و این دو باید در تألیف

کتب برای فرآیند آماده‌سازی رهبران مدارس مدنظر قرار گیرد یاددهی و یادگیری فقط در صورتی بهبود می‌یابد که مدیران مدارس و معلمان به‌صورت یک تیم باهم کار کنند. دوم اینکه، یکی از ویژگی‌های زندگی قرن بیست و یکم این است که کودکان و جوانان، به‌صورت دیجیتالی بزرگ خواهند شد. برای توصیف این کودکان و جوانان اصطلاح «نسل نت» را به کار می‌برند. از این رو، انتظار می‌رود کتب درسی جدید در حوزه مدیریت آموزشی، داوطلبان رهبری مدارس را به استفاده از فناوری ترغیب کنند تا به‌طور موفقیت‌آمیزی برای مدارس ایجاد ظرفیت کنند.

سوم، بهتر است مؤلف محترم با بهره‌گیری از تمرین‌های متنوع در هر فصل و ارائه چالش‌های واقعی رهبران آموزشی در مدارس، دانشجویان را به تأمل در مورد مشکلات واقعی ترغیب نموده و زمینه بکارگیری آموخته‌های نظری را در عمل فراهم آورند. چهارم، از آنجاکه کتاب مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد، نتوانسته تصویری شفاف و واقعی از آموزش و پرورش قرن بیست و یکم، وضعیت کلی رشته مدیریت آموزشی در ایران و نهایتاً الگویی برای تربیت رهبران آتی مدارس کشور ارائه نماید؛ امید است که ویرایش بعدی کتاب مباحث نوین مدیریت آموزشی را بیشتر مورد توجه قرار دهد به‌گونه‌ای که به تدوین برنامه آماده‌سازی مدیران مدارس کمک کند و بر آنچه ما پیش‌ازین درباره مدیریت و رهبری مدرسه می‌دانستیم بیفزاید.

کتاب‌نامه

- اپلاتکا، ایزهار (۲۰۱۰). تحلیل تاریخی مدیریت آموزشی به عنوان یک حوزه علمی، ترجمه ناصر شیربگی (۱۳۹۷). تهران: انتشارات آثار معاصر
- شیرازی، علی (۱۳۹۲). مدیریت آموزشی: تئوری، تحقیق و کاربرد. ویراست دوم، تهران، مؤسسه کتاب مهربان نشر
- شیرازی، علی (۱۳۹۷). وب سایت شخصی. <http://a-shirazi.profms.um.ac.ir>
- علاقه بند، علی (۱۳۹۴). مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، ویراست ششم، تهران: نشر روان

Altheide, D.L. (1996). *Qualitative media analysis*, Thousand Oaks, Cal.: Sage Publications

Bush, T. (2004). *Theories of Educational leadership and Management*: 4th edition, London, Sage.

Crawford, K. (2003). The Role and Purpose of Textbooks, *International Journal of Historical Learning, Teaching and Research*, 3 (2) 1-3

- Glass, T. (2004). *The history of educational administration viewed through its textbooks*. Lanham: Scarecrow Education.
- Ketcham, A. F. (1982). World War II events as represented in secondary school textbooks of former allied and axis nations. Unpublished PhD Thesis University of Arizona: <http://arizona.openrepository.com/arizona/handle/10150/185404>
- Klein, J.T. (1993). *Blurring, cracking, and crossing permeation and the fracturing of discipline*. In E. Messer-Davidow, D.R Shumway & DJ. Sylvan (eds.), *Knowledge: Historical and critical studies in disciplinarily* (pp. 185-205). Charlottesville: University Press of Virginia.
- Owens, R. G. & Valesky, T. C. (2015). *Organizational Behavior in Education: Leadership and School Reform*, 11th Edition, New York: Pearson
- Yukl, G. (2013). *Leadership in organizations* (8th ed). Harlow: Pearson Education Limited

